

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان در باره علی چگینی

رفقائی از داخل کشور در باره چگونگی رابطه سازمان ما با علی چگینی (که متهم است همسرش صبیبه را به قتل رسانده) سؤال کرده اند. ما پاسخ این سؤال ها را به صورت علنی منتشر می کنیم تا در عین حال پاسخی باشد به سؤال های مشابهی که تاکنون مطرح شده و یا در آینده مطرح خواهد شد.

الف - علی چگینی هرگز عضو سازمان ما نبوده و هیچ گونه رابطه سازمانی با ما نداشته است - نه در داخل کشور ، نه در کردستان عراق و نه در خارج از کشور. بنابراین هیچ سیاست سازمانی یا تصمیمی از طرف تشکیلات مرکزی درباره او وجود نداشت. در نتیجه وقتی ما با بحث علنی مربوط به چگونگی رابطه با او روبرو شدیم ، قبل از هر چیز تصمیم گرفتیم اطلاعات پراکنده همه رفقایمان را که در دوره مسئولیت شان در مقرادیوی "صدای کارگر" در کردستان عراق با او سروکار داشته اند ، درباره چند و چون دقیق رابطه با او جمع آوری کنیم. زیرا این ها تنها کسانی بودند که برخورد و بنابراین اطلاعات مستقیم درباره او داشتند. چکیده مجموعه این اطلاعات چنین است : علی چگینی حدود هشت سال پیش از ایران به کردستان عراق می گریزد و در مقر " کومله " اقامت می کند و ادعای اش هم این است که از تعقیب جمهوری اسلامی گریخته است. او از فعالان سیاسی داخل کشور بوده و با جریان های چپ و فمینیست ارتباطات معین داشته است. بعد از چندی رفقای ما جستجو و گریخته خبرهایی دریافت می کنند که علی چگینی همسرش را کشته و فراری شده است. آنها این خبرها را با او در میان می گذارند. اما او انمود می کند که اینها شایعاتی هستند که از طرف جمهوری اسلامی پخش می شوند و مدعی می شود که با همسر سابقش مکاتبه دارد و حتی او برایش پول و شاگردان فرستاده است. اما رفقای ما به گفته های او اکتفا نمی کنند و می کوشند از مجاری مختلف در داخل کشور، نظرافراد متعددی را درباره او و شایعات مربوط به او پرسند. ولی مدتها نمی توانند به جواب روشنی دست یابند. از داخل کشور بعضی می گویند : این اتهامی است که جمهوری اسلامی برای لجن مال کردن فعالان سیاسی براه انداخته و بعضی دیگر ضمن بیان تردیدهایشان ، می گویند حقیقت ماجرا را نمی دانند و نمی توانند درستی یا نادرستی خبر را تأیید کنند. و در هر حال دست رفقای ما به جایی نمی رسد.

چگینی بعد از مدتی می گوید : خبر کشته شدن زنش را دریافت کرده است و سعی می کند چنین القاء کند که این قتل کار رژیم است. در همان دوره که او هنوز در مقر " کومله " اقامت دارد ، با همسر کنونی اش (که از پیشمرگه های کومله بوده) ازدواج می کند و به مقرادیوی ما نیز رفت و آمد دارد. بعد از مدتی او و همسرش تصمیم می گیرند به خارج بروند و برای این منظور در دفتر کمیساریای پناهندگان سازمان ملل ثبت نام می کنند و در این دوره انتظار برای رفتن به خارج است که از رفقای ما می خواهند که در مقرادیوی ما اقامت کنند. و رفقای ما در منطقه بر مبنای سیاست عمومی سازمان و وظیفه کمک رسانی به فعالان فراری از جنگال جمهوری اسلامی ، آنها را به عنوان مهمان در مقرادیو می پذیرند ، با همان شرایطی که قبل از آن نیز افراد متعددی را در آنجا پذیرا شده بودند.

تنها بعد از رفتن او به خارج (از طریق ترکیه و با کمک سازمان ملل) است که رفقای ما خبرها و شواهد مطمئنی به دست می آورند که خود او بوده که همسرش را به قتل رسانده است و به همین دلیل هر نوع رابطه را با او قطع می کنند در اروپا تنها یک بار او با یکی از رفقای ما (که از مقر "صدای کارگر" با وی آشنائی داشته) تماس می گیرد و رفیق ما به او توصیه میکند که اولاً از هر نوع فعالیت سیاسی کناره بگیرد و ثانیاً خودش را به مقامات قضائی کشور محل اقامت اش معرفی کند.

ب - رفقای ما حتی بعد از به دست آوردن خبر مطمئن درباره جنایت علی چگینی ، اساساً به این دلیل از افشاگری اجتناب کرده اند که نگران اطلاعات او درباره روابط عده معینی از فعالان سیاسی داخل کشور بوده اند. نگران از این که افشای علنی چنین آدمی او را به آغوش جمهوری اسلامی پرتاب کند و به شکارشمارگی از مبارزان بیانجامد. ظاهراً همین نگرانی بوده که عده ای از فعالان داخل کشور را نیز (با وجود آگاهی دقیق تر و طولانی ترشان از این فاجعه) در تمام هشت سال گذشته به سکوت واداشته است. حتی آن عده از فعالان فمینیست که با دادن اعلامیه و آغاز بحث علنی ، در این باره سکوت را شکستند ، ظاهراً مدت ها قبل از آن ، از ماجرا مطلع بوده اند و با ملاحظاتی مشابه تن به سکوت می داده اند. بعد از علنی شدن بحث مربوط به این جنایت نیز ما به دو دلیل از موضع گیری سازمانی فوری اجتناب کردیم : نخست ، همان طور که گفتیم ، می بایست اطلاعات رفقای مختلفی را که در دوره های ماموریت شان در مقر رادیو ("صدای کارگر") با او سرو کار داشتند ، جمع آوری می کردیم ، دوم به این دلیل که هنوز لازم بود ارزیابی روشن تری از پی آمدهای امنیتی این مسأله روی فعالان داخل کشور داشته باشیم.

ج- لازم است در این جا موضع مان را در باره علی چگینی و جنایت انجام شده با صراحت کافی بیان کنیم : علی چگینی در نامه ای که بعد از اعلامیه فعالان فمینیست داخل کشور نوشته ، می گوید : وقتی وارد خانه شده با جسد غرقه به خون همسرش روبرو شده است. در حالی که از آغاز ورود به کردستان عراق به همه نیروهای سیاسی و از جمله رفقای ما در منطقه ، وانمود می کرده که با همسرش ارتباط و مکاتبه دارد. به عبارت دیگر ، او تاکنون بارها حرفش را درباره این ماجرا عوض کرده است. از نظر ما علی چگینی باید در یک دادگاه صالح محاکمه شود و به دلایل و شواهد مشخصی که به ارتکاب این جنایت از طرف او دلالت دارند پاسخ گو باشد. در عین حال ما با تحویل او به جمهوری اسلامی مخالفیم. زیرا اولاً قوانین ضد زن ، مجازات های عهد بوقی و شرایط دادرسی تبعیض آمیز آن ، هر نوع محاکمه عادلانه را در دستگاه قضائی این رژیم امکان ناپذیر می سازد. ثانیاً اگر علی چگینی به دست جمهوری اسلامی بیفتد ، به احتمال بسیار زیاد رژیم خواهد کوشید از او برای ضربه زدن به فعالان داخل کشور و بهره برداری تبلیغاتی علیه آنان استفاده کند.

27 جولای 2005 برابر 5 مرداد 1384

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)